

## تدوین چارچوبی مفهومی برای بازتعریف مفهوم محله در بافت های جدید شهری (مورد مطالعه: محله هوشنگ مرادی شهر کرمان)

محسن، ایلاقی حسینی:

دکترای گروه شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

نیما، جهان بین (نویسنده مسئول)

استادیار و هیئت علمی گروه شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

jahanbin@iauk.ac.ir

ایرج، قاسمی:

استادیار و هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، واحد تهران، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

### چکیده

این تحقیق برای ارائه چارچوبی مفهومی از بازتعریف مفهوم محله در بافت های تازه توسعه یافته شهر کرمان، از روش نظریه زمینه ای استفاده نموده است. این تحقیق به لحاظ هدف در زمره تحقیقات توسعه ای قرار داشته و از نوع کیفی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل ساکنین محله هوشنگ مرادی کرمانی، متخصصین دانشگاهی در رشته شهرسازی و جامعه شناسی و مدیران شهری، شهر کرمان می باشد. روش جمع آوری اطلاعات مطالعه اسنادی برای مبانی نظری و مصاحبه نیمه ساختار یافته برای استخراج نظرات است. در این مطالعه اشباع نظری برای مردم بعد از 19 مصاحبه، برای متخصصین بعد از 22 مصاحبه و برای مدیران شهری بعد از 12 مصاحبه حاصل شد. یافته های این تحقیق نشان داد که بازتعریف مفهوم محله در بافت های تازه توسعه یافته در قالب مدل مفهومی قابل بررسی است. در این مدل مفهومی بازتعریف مفهوم محله با تبعیت از شرایط علی نظیر دسترسی به خدمات، تحرک اقتصادی، تحرک اجتماعی و احساس تعلق فردی به مکان شروع می شود، و با شرایط پیامدهای حاصل از استراتژی های ادغام شده در محله هوشنگ مرادی نظیر معنای محله تابع تغییر ارزش ها، معنای محله تابع مفاهیم نو، محله با محوریت مطالبه گری و مدیریت خواست و نیاز ساکنین محدوده در زمینه توسعه محله به پایان می رسد. در این مدل مفهومی با در کنار هم قرار دادن و ادغام شروط علی، زمینه ای، مداخله ای، استراتژی و پیامدی می توان به تعریفی تازه از محله دست یافت، که در انتها این مقاله مدل مفهومی این بازتعریف از مفهوم محله در بافت های جدید شهری متناسب با نظر مردم، متخصصین و مدیران شهری ارائه شده است.

**کلمات کلیدی :** بافت جدید شهری، بازتعریف مفهوم محله، هوشنگ مرادی

**1. مقدمه**

محلّه مفهومی است که هر یک از حوزه های مختلف علمی بنا به زمینه های نظری خاص خود، به تعریف و کاربست آن پرداخته اند. دارا بودن مرز و محدوده مشخص، حس همبستگی و روابط متقابل میان ساکنان، هویت جمعی و اشتراک اهداف، یکپارچگی فضا و فعالیت، خودکفایی نسبی و جمعیت متناسب از مضامین مشترک در تعریف محلّه بوده است. بر مبنای ویژگی ها و معیارهای مورد انتظار، مفاهیم جمعیتی، زیرساختی، سیاسی، حسی، اجتماعی و محیطی به عنوان اصول پایه در تعریف محلّه محسوب می شود. مفهوم شناسی محلّه در شهرهای ایران نشان می دهد که در گذشته ویژگی ها و معیارهای قومی، مذهبی، نژادی و نظایر اینها، و در زمان حاضر اصول رسمی و قراردادی در تعریف مفهوم و تعیین حدود محلّه نقش تعیین کننده ای دارند. در مجموع محدوده فضایی یکپارچه، وجود مرزهای کالبدی مبتنی بر درک ذهنی و یا نشانه عینی، حس تعلق مکانی و همبستگی اجتماعی، امکان شناخت رو در رو و وجود تسهیلات و خدمات محلی از جمله نکاتی است که در مفهوم شناسی محلّه اهمیت می یابند. (عبدالهی، ۱۳۸۸: 83) از گذشته های دور محلات در شکل دهی و سازماندهی امور شهری جایگاه ویژه ای داشته اند. هر محلّه از طریق فراهم آوردن بنیادهای هویتی برای افراد و با در بر داشتن ویژگی های خاص باعث میشد ساکنان آن نوعی احساس تعلق به محلّه داشته باشند و محلّه را از آن خود بدانند تا جایی که هر شهروند با نام محلّه ای شناخته می شد که در آن ساکن بود؛ به عبارت دیگر، محلّه تبدیل به خاستگاهی هویتی برای ساکنین آن می شد. این امر باعث می گردید که شهروندان نسبت به مسایل مختلف محلّه حساسیت داشته باشند و به نوعی در حل این مسایل مشارکت کنند. ارتباط ساکنین محلات به منظور رفع مشکلات و مسایل محل سکونت باعث می گردد که سطح تعاملات آنها افزایش یابد که خود این امر یکی از عوامل انسجام اجتماعی است. (ایمانی، ۱۳۸۸: 1).

در دوران معاصر اما، وضعیت محلات شهری به شدت دگرگون شده است. نگرش نو به مفهوم توسعه، پیروی از الگوی واحد همسایگی غربی و عملکرد مدیران شهری در برخی مناطق شهری، محلّه ای را از مفهوم اجتماعی آن تهی کرده و توجه صرف به ابعاد کالبدی مفهوم محلات را تغییر داده و یا با ساخت و یا تعریف یک معبر باعث قطع ارتباط بخشی از یک محلّه و ایجاد محدوده هایی تازه، مفهوم محلّه را به صورت ریشه ای و بنیادی در ذهن ساکنان آن محدوده تغییر داده است. میزان خدمات و نوع و توزیع آن به ایجاد مفاهیمی نظیر بالای شهر و پایین شهر، ساخت محلات جدید در بافت های تازه با هویت های بسیار متفاوت و ... منجر شده است. در این مقاله با روش گراندد تئوری به بررسی ابعاد مختلف مفهوم محلّه در بافت های جدید شهری، شهر کرمان پرداخته می شود. در یک نگاه کلی مسئله این مقاله تدوین چارچوبی مفهومی برای بازتعریف مفهوم محلّه در بافت های تازه توسعه یافته شهر کرمان با نگاه به محلّه هوشنگ مرادی این شهر که در بافت جدید آن واقع شده است، می باشد.

**2. مبانی نظری پژوهش**

**مفهوم محلّه در شهرهای ایرانی**

اصول و عناصر تشکیل دهنده محله در نظام سنتی، تحت تاثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی و مبتنی بر شرایط توسعه درون زا بود که نقش غالب را فرهنگ سنتی ایفا میکرد. این شرایط تا اواخر دوره قاجاریه کمتر دستخوش تغییرات بنیادی گردید. اما بررسی تحولات ساختاری و کارکردی شهر در دوران معاصر نشان میدهد که متاثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور، ماهیت شهرها دچار دگرگونی های اساسی شد. با ورود اتومبیل، پیچیده شدن تقسیم کار اجتماعی و مهاجرت روستاییان به شهرها گذر از نظام سنتی و ورود به فضای جدید توسعه در شهرها در قالب نظام فعلی با ایجاد تغییرات بنیادی رقم خورد. "توجه به توسعه برون زا و نگاه به خارج تاثیرات خود را بر نحوه شکل گیری فضاهای شهری به جای میگذارد. در این شرایط شهر از نظر ذهنی- و نه عینی- کارایی خود را از دست میدهد و در نتیجه آن دخالت های سنگین عینی و مادی در کالبد شهر رخ می نماید. این در حالی است که ذهنیت شهر در هویت کهن آن باقی می ماند. ذهنیت شهر مطابق باورهای شهروندان و در فراسوی عینیت دگرگون شده آن مطابق خواست دولت پهلوی از شهر به حیات خود ادامه می دهد. این ذهنیت نه تنها چون خاطره ای از دورانی گذشته، بلکه به عنوان عنصر هویت دهنده به شهروند در فضای شهر و به ساکن محله در فضای محله ای در عرصه زمان باقی می ماند. اگر در سبک تهران در دوره قاجار، در هم آمیختگی مفاهیم غرب و شرق با تفوق شرق پایان می پذیرد، در الگوی تهران دولت پهلوی این آمیزش به نفی شرق و مفاهیم آن و غلبه کامل تفکر غرب و مظاهر کالبدی آن ختم می شود. لذا عصر تقابل در دولت قاجار به عصر تضاد در دولت پهلوی و بعد از آن ختم میشود" (حبیبی، 157، 1383).

بدین ترتیب میتوان گفت که محله های شهری در ایران به تناسب قرارگیری در شرایط اقتصادی و اجتماعی با تحولات مختلفی مواجه شده اند که از دو منظر قابل بررسی است: یکی توجه به محله در قالب تحولات اقتصادی و اجتماعی و نظام سیاسی حاکم بر کشور که به وسیله دولتمردان و مدیران ملی صورت گرفته است و همواره در ادوار مختلف تاریخی اعم از اسلامی، قاجار، پهلوی و پس از انقلاب اسلامی این تصمیمات توانسته است تاثیرات خود را به جای نهد. دیگری تاثیر پذیری محله های ایرانی از تحولات نظامی جهانی و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی که الزامات هریک تاثیرات ویژه ای داشته است. از این منظر در زمان حاضر برداشت و تعریف از محله تغییرات بنیادی کرده است و بیشتر ضوابط رسمی و قراردادی مبنای تعریف محله است. در برداشت حقوقی و قانونی، بررسی قوانین فعلی نشان میدهد مهم ترین قانونی که محله در آن تعریف شده است، قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب 1362 است. "وفق تبصره 2 ماده 4 این قانون محله مجموعه ساختمان های مسکونی و خدماتی است که از لحاظ بافت اجتماعی ساکنان خود را اهل آن می دانند و دارای محدوده معین است. حدود محله های شهری تابع تقسیمات شهری است. حدود محله های شهری تابع تقسیمات شهری است. در شهرهای بزرگ از بهم پیوستن چند محله شهری، منطقه شهری تشکیل میشود. (عبداللهی، 17، 1386).

#### پیشینه

تعداد زیادی از پژوهشگران به بررسی محلات شهری پرداخته و این پدیده را از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داده اند. به عنوان مثال در ادبیات پژوهشی داخل کشور می توان به ثقه الاسلامی، قرشی،

موقر و... اشاره داشت و در ادبیات خارج کشور و به زبان انگلیسی میتوان به جانسون، بارکر و... اشاره داشت. که در ذیل به تفصیل بیان می‌گردد.

ثقه الاسلامی و امین زاده مقاله ای با عنوان " بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی" در سال 1391 منتشر کردند، این مقاله بیان می‌دارد که علیرغم اهمیت جایگاه محله و تاثیر آن در ساختار فضایی و اجتماعی شهرسازی سنتی ایران، در طرح های توسعه شهری معاصر کشورمان از الگوی واحد همسایگی غربی استفاده می‌شود. نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوت بنیادی در پیدایش و شکل‌گیری مفهوم محله در شهرنشینی ایرانی و واحد همسایگی غربی است همچنین در زمینه اصول طراحی محله ایرانی کامل‌تر و دارای انعطاف پذیری بیشتر است نسبت به واحد همسایگی غربی است. همچنین در پژوهشی دیگر با عنوان بازتعریف جامعه شناختی مفهوم محله از نگاه ساکنان: مطالعه پدیدارشناسی محله کن منطقه 5 شهر تهران که در سال 1395 توسط مائده قرشی، مصطفی ازکیا، صادق مهدوی انجام شده است که این مقاله به دنبال بررسی حالت آرمانی از یک محله نزد ساکنان شهر تهران است و نتایج آن نشان داد که سه گونه تفکر در رابطه با وضعیت آرمانی یکی محله وجود دارد: اول برگشت به حالت تاریخی مفهوم محله، دوم تصویری از کشورهای اروپایی برای محله و سوم تصویری که مردم از امر سنت دارند. موقر و همکاران، مقاله ای با عنوان "بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران نمونه مطالعاتی محله های شهر نایین" در سال 1393 منشر کردند، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شکلگیری و تغییرات شهر و محلات آن به صورت مستمر و تدریجی در راستای همسازی مناسب بافت موجود با تغییرات و نیازهای جدید ادامه داشته و در این میان آداب و رسوم و ارزش های اجتماعی از جمله مذهب نقش تعیین کننده ای در نحوه شکل‌گیری محله داشته باشند.

بردی<sup>1</sup>، در سال 2009 پایان نامه ای با عنوان (ساخت دانش حرفه ای: مفهوم واحد محله در راهنمای ساختن جامعه) انجام داد. این پایان نامه مربوط به بررسی انتشار مفهوم محله (واحد همسایگی) کلارنس پری بین سالهای 1929 تا 1969 بوده به تجزیه و تحلیل این مفهوم در ادبیات بیست سازمان حرفه ای و دولتی می‌پردازد. نتایج این تحقیق به یک دیدگاه علمی در مورد مفهوم واحد همسایگی به عنوان یک قلمرو مرزی می‌پردازد که از طریق جوامع حرفه ای در اختیار عموم قرار می‌گیرد. بارکر و نوی<sup>2</sup> در سال 2017 گزارشی با عنوان باز تعریف محله ها آینده ای فراتر از ریاضیات اقتصادی منتشر کرد. این مطلب گزارشی است که درباره وضعیت محله های بریتانیا به خصوص شهر لندن در سال 2017 منتشر شده و تمرکز آن بر خدمات محله ای است که از چهارگروه تشکیل شده است دسترسی و حمل و نقل، خدمات فرهنگی، خدمات زیست محیطی و نظارتی، خدمات برنامه ریزی، که گزارش حاضر سعی در بازتعریف حدود و چگونگی کنترل این خدمات توسط حکومت های محلی دارد.

3. مواد و روش‌ها

<sup>1</sup> Brody

<sup>2</sup> Barker & kenway

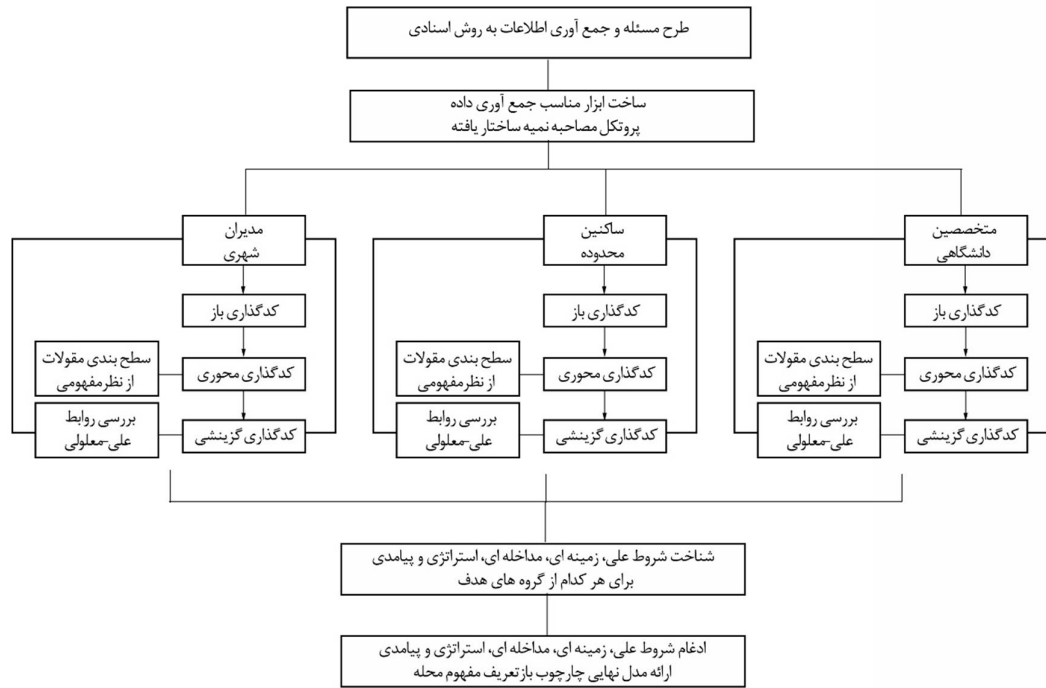
پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت کیفی بوده و از نوع گراند تئوری<sup>3</sup> است. که با بهره گیری از روش کتابخانه ای، اطلاعات اسنادی و تهیه فیش از کتب و مقالات معتبر به گردآوری اطلاعات می پردازد. روش گراند تئوری یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن با استفاده از یک دسته داده ها، نظریه ای تکوین می یابد. در این تحقیق از روش سیستماتیک که به استراوس و کوربین<sup>4</sup> نسبت داده می شود برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. روش سیستماتیک خود دارای سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است (Strauss & Corbin, 2017)

جامعه آماری این پژوهش شامل ساکنین محدوده هوشنگ مرادی، اساتید دانشگاه در رشته شهرسازی و جامعه شناسی به عنوان متخصصین و آن دسته از مدیران شهری است که با ساماندهی محلات شهری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در ارتباط می باشند. روش جمع آوری اطلاعات مطالعه اسنادی برای پیشینه و مبانی نظری و مصاحبه نیمه ساختار یافته برای استخراج مفاهیم است. در این پژوهش در ارتباط با مردم، محقق اگرچه با مصاحبه با 17 نفر به اشباع نظری اطلاعات دست یافت، اما بمنظور کاذب نبودن اشباع مصاحبه ها را تا چندین مصاحبه بیشتر (19 مصاحبه) ادامه داد؛ همچنین در ادامه در مورد متخصصین دانشگاهی 20 مصاحبه و سپس بمنظور کاذب نبودن اشباع (22 مصاحبه) و در مورد مدیران شهری کرمان در ابتدا 10 نفر به اشباع نظری رسید و سپس بمنظور تدقیق (12 مصاحبه) انجام شده است. در نمودار شماره 1 فرایند انجام این مقاله نشان داده شده است. در انتها مقاله مدل مفهومی از ادغام نتایج حاصل از بررسی گراندی در هر یک از گروه های هدف این مقاله ارائه می شود. این تحقیق به دنبال پاسخ گویی به پرسش زیر است:

معیارهای بازتعریف مفهوم محله در بافت های جدید شهر معاصر ایران چیست؟

<sup>3</sup> Grounded theory

<sup>4</sup> Strauss & Corbin



### نمودار 1: فرآیند انجام پژوهش

#### 4. یافته های پژوهش

در ابتدا برای رسیدن به مفهوم محله نزد ساکنین اقدام به بررسی ذهنیت ایشان در ارتباط با مفهوم محله شده است. علی رغم گپ و گفت اولیه که برای محقق وجود مفهومی از محله در ادراک ساکنین محرز شده بود، برای بررسی ذهنیت مردم از محله با استفاده از روش گرانددی به جمع آوری اطلاعات پرداخته شد. از مردم تعداد 146 کد باز شناسایی، که در 48 طبقه دسته بندی شدند، در نهایت 48 کد باز، 8 کد محوری و 4 کد گزینشی از تحلیل داده های مردم (ساکنین محله) بدست آمد که در جدول شماره 1 قابل مشاهده است.

جدول 1: کدهای باز، محوری و گزینشی استخراج شده از مردم محدوده

کد گذاری گزینشی	کد گذاری محوری	عناصر سازنده کدهای محوری (کدهای باز)
ذهنی شدن معنای محله	جستجوی امینت در ابعاد عینی و ذهنی	ایمنی پایداری کالبدی احساس امنیت وجود امنیت زیست شیبانه شهری

	کیفیت زندگی به مثابه دسترسی به خدمات شهری	دسترسی به کاربری های فرهنگی-تفریحی دسترسی نیازهای اولیه (روزانه) دسترسی به وسایل حمل و نقل
تنزل سرمایه اجتماعی	باز اندیشی در هویت محلّه ای	حس خوب زندگی در مکان جدید تعریف خود با نشانه های منزلتی تشخص جستجوی تفاخر و شان اجتماعی
	عملکرد سازمان های مدیرتی	ناکارآمدی سازمانهای مدیریتی عملکرد شهرداری گسترش بی رویه ی شهر
کاهش دلبستگی و احساس تعلق به محلّه	دنبالجویی منزلت و طبقه اجتماعی	منزلت اجتماعی تمکن مالی شان و رفاه سرمایه فرهنگی تمیزی
	فردگرایی	عدم دخالت در کار یکدیگر کند و کاو در زندگی فردی منفعت طلبی فردی حریم خصوصی زندگی شخصی
دگرگونی ساخت محلّه	مدرنیسم	کمرنگ شدن سنت ها تغییر سبک زندگی نوشدگی عدم توجه به گذشته
	توسعه کالبدی محلّه	رشد شهرنشینی و پیدایش محلات جدید افزایش جمعیت تراکم جمعیت

این مقاله بر مبنای روش گراند تئوری شروع به کار کرده و داده هایی را به واسطه روش مصاحبه نیمه ساختار یافته به منظور رسیدن به مدل نهایی شرایط بازتعریف محلّه جمع آوری نمود، اما این داده ها برای رسیدن به تعریفی تازه در زمینه پدیده محلّه کافی نبود، چرا که مفهوم محلّه، برخلاف تصور ابتدایی از آن، بسیار مفهوم پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است که هر کدام از این ابعاد بر آن تاثیر گذار است. ابعاد و ویژگی هایی که شاید مردم عادی از دیدن آن عاجز بوده و بررسی این ابعاد نیازمند نگاه تیزبین متخصصین دانشگاهی در این عرصه را نیز دارد. برای متخصصین دانشگاهی 30 کد باز، 8 کد محوری و 3 کد گزینشی استخراج شده که در جدول شماره 2 قابل مشاهده است.

**جدول 2: کد گذاری محوری و گزینشی حاصل از یافته های پژوهش در ارتباط با متخصصین**

عناصر سازنده کدهای محوری ( کدهای باز)	کد گذاری محوری	کد گذاری گزینشی
--	----------------	-----------------

تداوم و پیوستگی کالبدی- فضایی	تنوع و کیفیت خدمات شهری	امکانات رفاهی و زیرساخت های شهری تنوع عناصر بصری
	لبه و مرز محله	حد و مرز و قلمرو محله تراکم در واحد سطح سهولت دسترسی
	ایمنی و امنیت خاطر	پایداری کالبدی استحکام ابنیه
تحرک اقتصادی- اجتماعی	معیشت و موقعیت اقتصادی محله	ارزش افزوده قیمت زمین و مسکن سرقفلی و اجاره بها توان مالی ساکنان عدالت اجتماعی
	منزلت اجتماعی	شان اجتماعی کیفیت زندگی سبک زندگی
کمبودگی انسجام اجتماعی و نهادی و وابستگی مکانی	همبستگی اجتماعی	تعاملات اجتماعی امنیت اشتراکات اجتماعی روابط همسایگی و حس صمیمیت
	مدیریت شهر	طرح های پژوهشی دستگاه های اجرایی مشارکت مردم در طرح های محرک توسعه تحقق وعده های مدیران
	حس تعلق و وابستگی به مکان	پویایی و سرزندگی جذابیت حس خاطرات جمعی هویت فرهنگی ارزش های اجتماعی معنا پیشینه تاریخی خوانایی

بعد از اتمام یک دوره کامل از بررسی های صورت گرفته بر روی مردم و متخصصین دانشگاهی، نقش بسیار سرنوشت ساز و تعیین کننده مدیران شهری کرمان بر مفهوم محله و محلات سطح شهر آشکار شد، برای مدیران شهری تعداد 41 کد باز، 8 کد محوری و 3 کد گزینشی بدست آمد که در جدول شماره 3 قابل مشاهده است.

**جدول 3: کدگذاری محوری و گزینشی حاصل از یافته های پژوهش در ارتباط با مدیران شهری کرمان**

کد گذاری گزینشی	کد گذاری محوری	عناصر سازنده کدهای محوری (کدهای باز)
عملکرد نهاد مدیریتی تابع تغییر ارزش ها	معاصر سازی	نگاه تازه به امنیت شهری تحولات آموزش گذشته سنتیزی نگاهی مدرن به گذشته
عملکرد نهاد مدیریتی تابع مفاهیم نو	رویکرد های کلان برنامه ریزی	توسعه پایدار (اجتماعی و اقتصادی) پیاده مداری تاب آوری مشارکت و حق به شهر



		مدیریت یکپارچه شهری تسهیلگری شهر دوستدار کودک
	نحله های فکری	الگوی شطرنجی الگوهای غربی مدرنیسم و پست مدرنیسم
	فردگرایی	دفاع از امتیازات فردی
عملکرد نهاد مدیریتی تابع خواست و نیاز ساکنین محله	مسائل اقتصادی	بعد تجاری قیمت زمین و سرقفلی سودآوری و ارزش افزوده قواره زمین تهدید منافع
	مسائل اجتماعی	حس تعلق فردی و جمعی همبستگی مردم با هم هویت بخشی هویت شهری و کمبود هویت شورای اجتماعی محلات نسل تازه (نسل دوم و چندم ساکن در بافت جدید)
	کالبد و عملکرد	خدمات رسانی مرکز محله مرز محله نوع و توزیع خدمات زوال کالبدی فرسودگی بافت شهری بلند مرتبه سازی
	نیاز های نهاد مدیریتی	نیاز به تعریف ساده از محله تامین سرانه های شهری نحوه خدمات رسانی طرح های توسعه شهری مقیاس محله اختیارات قانونی قانون و قانون گذاران بخشنامه های لازم الاجرا

## 5. بحث

دیدگاه مردم محدوده هوشنگ مرادی

ادراک عبارت است از فرایند پیچیده آگاهی یافتن از اطلاعات حسی و فهم آن‌ها. همچنین، ادراک، فرایندی است که افراد، به وسیله آن، پنداشتها و برداشتهایی را که از محیط خود دارند، تنظیم و تفسیر می کنند و بدین وسیله، به آنها، معنی می دهند. ولی، ادراک می تواند که با واقعیت عینی، بسیار متفاوت باشد. غالباً، افراد از امری واحد، برداشتهای متفاوتی دارند. می توان گفت که رفتار مردم، به نوع ادراک، پنداشت یا برداشت آنها (و نه واقعیت) بستگی دارد (وبگاه دانشگاه تهران، 1398). در این رساله ادارک زیستن در محله به معنی برداشت ذهنی افراد از آنچه که یک محله باید باشد. به عبارت دیگر ادارک زیستن در محله در این رساله به نوعی متصل به مفهوم محله در ارتباط با محدوده هوشنگ مرادی، نزد ساکنین است. هرچه مفهوم محله نزد ساکنین در یان بافت ضعیف تر باشد مفهوم محله نیز نزد ایشان ضعیف تر بوده و کمتر ادراک زیستن در یک محله را دارند و بر خلاف آن هرچه مفهوم محله در این محدوده از بافت

جدید شهری نزد ایشان بیشتر و قوی تر و پرننگ تر باشد، ساکنین ادارک قوی تری از زیستن در یک محله دارند. به این منظور به ساکنین مراجعه شد و در ابتدا پرسیده شد که کجا زندگی میکنید؟ ایشان در پاسخ به این سوال از عنوان محله هوشنگ مرادی استفاده کردند، برنکارنده این رساله وجود مفهومی از محله در ذهن ساکنین این محدوده اثبات شد. در ادامه با روش گراندد تئوری به از مردم خواسته شد که محل زندگی خود و این مفهوم از محله را توصیف کنند، این توصیف به ایجاد سه مرحله مصاحبه و تولید سه پروتکل مصاحبه منجر شد که در پیوست این رساله آورده شده است. در این فرآیند بررسی و تحلیل مداوم داده ها، تعداد قابل توجهی مقوله کشف و کگذاری شد که در ارتباط با ادراک زیستن در محله در نزد ساکنین است.

محله های سنتی با توجه به شرایط جغرافیایی، اجتماعی، ابعاد و مقیاس محله و کیفیت ساخت و ساز، انسجام و پیوستگی فضایی داشته و محیطی خوانا برای ساکنین مهیا می ساختند. چنین ویژگی هایی به طور همزمان فراهم کننده زیرساخت های معنایی است. بهبود کیفیت محیطی محله می تواند با ایجاد تصویر ذهنی مطلوب، موجد ایجاد حس تعلق مکانی و هویت شود (اردشیری<sup>5</sup> و همکاران، 2013) و آنها درک روشنی از محله زندگی خود پیدا می کردند، هماهنگی اجزاء محله و هم چنین کافی بودن خدمات مورد نیاز ساکنین در عین اینکه ویژگی بازشناسی محله را مهیا می نمودند، چارچوب تحقق جنبه های خاص محله یا به عبارتی، تشخیص محله را شکل می دادند. زمانی این ویژگی تحقق می یابد که ویژگی های کالبدی و خدماتی به لحاظ ابعاد خاص کالبدی- محله، پیشینه تاریخی و فرهنگی محله، جغرافیا، اقلیم و ویژگی های بومی محله و یا خصوصیات اجتماعی با لایه های معنایی درگیر شوند یا به عبارت دیگر معنایی خاص به خود بگیرند. در همین حال نقش عوامل طبیعی را نباید نادیده گرفت (پاپولی یزدی<sup>6</sup>، 1987، 320).

محله ی هوشنگ مرادی کرمانی که از محله های بافت جدید شهر کرمان است نیز از این قضایا مبرا نیست. اگرچه از دید ساکنان محله ی هوشنگ مرادی احساس تعلق در محله های جدید شهری رنگ باخته است، اما نمادهایی مانند هتل پارس و نام محله " هوشنگ مرادی " نویسنده معروف کرمانی تا حدودی باعث می شد که افراد هویت محله ای خود را با این مفهوم پیوند دهند. در واقع وجود هتل پارس در محله ی هوشنگ مرادی باعث شده است افراد محله ی خود را با ساختار هتل پارس تعریف کنند.

در واقع هتل پارس با تحقق لایه های معنایی موجد منحصر به فرد شدن محله شده است و در این صورت از سایر محله ها قابل تمیز می شود (لینچی<sup>7</sup>، 1997، 167). به عقیده هاتون و هانت<sup>8</sup> (1994)، یک سکونتگاه پایدار باید در پی ارتقاء و حفظ ویژگی های مثبت خود در زمینه محیط طبیعی، مصنوعی و فرهنگی باشد. این ویژگی ها شخصیت مستقل و با هویت خودجوش در محله ایجاد می نماید که در ساکنان خود احساس تعلق می آفریند. تقسیمات فعلی حوزه های مسکونی اعم از

<sup>5</sup> Ardeshiri

<sup>6</sup> Papoli Yazdi

<sup>7</sup> Lynch

<sup>8</sup> Oughton and Hunter

واحد همسایگی، مجموعه های آپارتمانی، در بافت های جدید شهری که بنا بر علت اصلی وجودیشان که عموماً ضرورت های صرفاً اقتصادی است، فاقد چنین خصوصیات معنایی محله می باشند. در حالی که ممکن است استانداردهای اولیه حوزه مسکونی یا به عبارتی خصوصیات مربوط به بازشناسی، تا حدی در آن ها رعایت شده باشد. امروزه حوزه های مسکونی سیمای مشابهی دارند و در چنین شرایطی حس تعلق کاهش می یابد. هم چنین عناصر شاخص محلی، در احیاء تشخیص محلی نقش مؤثری دارند. مکان های عمومی قابلیت مناسب تری در تحقق جنبه های سمبلیک محلی دارند. به عنوان مثال مرکز محله به عنوان قلب تپنده و پویای عمومی محله نقش مهمی از این نظر در محله سنتی ایفا می نموده است. هویت در مرکز محله سنتی به صورت مشخص تری ظاهر می شد و موجودیت و شخصیت هر محله در مرکزی که نیازهای آن را برآورده می کند به منصفه بروز می رسید. عناصر نمادین چون منار مسجد محله، بر این موضوع تأکید می نمود. فضاهای عمومی با میزان جذابیت خود و اثر گذاری بر ذهن انسان می توانند تشخیص محله را تقویت نمایند (کلپلان، 2005، 158؛ لینچی، 1997، 155-192).

از طرفی، دنبالجویی شان و منزلت اجتماعی و احساس تمایز قایل شدن نسبت به دیگر ساکنان شهر میتواند بعد دیگری بر ادارک زیستن محله ای برای ساکنان هوشنگ مرادی باشد، تشخیص (تمایز) به معنای مجموعه تفاوت هایی است که رفتارها و سبک های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت های متفاوت شان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتن شان در میدان های اجتماعی گوناگون میان آنها ظاهر می شود. از نظر بوردیو، افراد بر اساس موقعیت اجتماعی شان، اعمال سلیقه می کنند و هر طبقه سعی می کند با شکل دادن به سلیقه اش، خود را از سایر طبقه ها متمایز کند. وی این موضوع را در کتاب معروف خود به نام تمایز (۱۹۷۹) که حاصل یک تحقیق میدانی گسترده است. نشان می دهد و ثابت می کند که چگونه می توان میان حوزه هایی چون ورزش، غذا، لباس، سلیقه هنری، موسیقی، عکاسی و ادبیات، از یک سو و وضعیت اجتماعی افراد، از سوی دیگر، رابطه منطقی برقرار کرد. او نشان می دهد که در جامعه ای مانند فرانسه، در میدان قدرت، با عملکردها و سبک های زندگی ای سر و کار داریم که سرگرمی های مورد علاقه آنها، اسکی روی آب، تنیس، اسب سواری، شطرنج، گلف و نواختن یا گوش سپردن به پیانو است؛ در حالی که در طیف مقابل، با فوتبال، ماهی گیری و نواختن یا شنیدن دیگر انواع موسیقی سر و کار داریم. همچنین نشان می دهد که چگونه از نوع خودروهای انتخاب شده تا دکوراسیون منزل، از مکان هایی که برای عکاسی انتخاب می کنند، تا آنچه می خورند، می نوشند، الزام های اجتماعی افراد را مشخص می کند. آنچه در محلهی هوشنگ مرادی مشاهده شد، همین تشخیص و تمایز است، افراد با انتخاب محلهی خود در هوشنگ مرادی و یا به قول خودشان پشت هتل پارس، به دنبال تشخیص و افزایش منزلت اجتماعی برای خود هستند. این منزلت برای ساکنین هویت محله ای به همراه دارد و درک معنایی افراد را از زیستن در محله شکل می دهد. در واقع اگر محله ها در گذشته بواسطه ی ویژگی های عینی مشخص می شدند، امروزه این تمایز ذهنی شده است و افراد درک زیسته خود را با مفاهیم ذهنی از محله نشان می دهند و ذهنی شدن معنای محله تأکید بر برداشتهای ذهنی افراد است که بر صورت های انتزاعی و ناملموس توجه می شود

## دیدگاه متخصصان

پژوهش حاضر، در پی ویژگی مفهوم محله در بافت های تازه توسعه یافته از دیدگاه متخصصین دانشگاهی است. درون مایه های استخراج شده از تحلیل مصاحبه های صورت گرفته نشان دهنده نگرش ها و معانی ذهنی متخصصین دانشگاهی در ارتباط با مفهوم محله است. درون مایه استخراج شده گویای این امر است که معیارهای «تداوم و پیوستگی کالبدی-فضایی» و «تحرک اقتصادی-اجتماعی» و «انسجام اجتماعی و نهادی و وابستگی مکانی» شرایط (مقولات) تعیین کننده جهت باز تعریف محله در بافت های تازه توسعه یافته هستند. با توجه به مصاحبه های صورت گرفته در شهر کرمان محلات قدیمی به دلیل پیوند با بازار از تداوم فضایی و پیوستگی کالبدی-فضایی مناسبی برخوردار بوده اند اما در بافت جدید شهری و نیازهای سواره و غلبه شاخص های اقتصادی نظیر سود و صرفه اقتصادی و عدم توجه به شاخص نظام تقسیمات شهری و مقیاس خدمات یا شاهد عدم تداوم و پیوستگی کالبدی-فضایی در مقیاس محله هستیم یا شاهد نازل ترین و بی کیفیت ترین حالت آن در قالب مجتمع های مسکونی، کوی ها و شهرک ها هستیم که نه تنها با یکسانی کالبد، کسالت باری را به بافت شهری افزوده بلکه، خدمات و فضای مناسبی نیز در آن ها وجود ندارد. این معیار در محلات جدید شهر کرمان و به خصوص محله هوشنگ مرادی به صورت تراکم زیاد و وجود انواع کاربری های مقیاس فرا محله قابل شناسایی با شبکه دسترسی سواره محدود شده است.

در گذشته به دلیل همگنی زندگی مردمان شهر کمتر شاهد تحرکات صعودی و نزولی مردم بوده و بیشتر تحرکات تحرکات جانبی و جغرافیایی بوده است. اما در بافت جدید شهری و ارزش شدن پول، به دلیل گرایش سرمایه به بازار زمین و مسکن و همچنین ارزش اقتصادی بالا محدوده های جدید شهری و گره خوردن بافت جدید و میانی شهر کرمان با منزلت اجتماعی، تحرکات عمدتاً صعودی و نزولی می باشد، مردم به دلیل منزلت اجتماعی بالاتر بافت جدید، محله قدیمی و سنتی خود را رها کرده و در بافت جدید ساکن می شوند و بافت قدیمی به دلیل مشکلات لاینحل خود پذیرای مهاجران افغانی و یا افراد با توان و درآمد مالی پایین است، لذا تحرکات اجتماعی و اقتصادی بافت جدید شهری در محدوده هوشنگ مرادی شهر کرمان با توجه به مصاحبه های صورت گرفته عمدتاً صعودی است.

محله در شهرهای قدیم واجد مفهومی اجتماعی، فرهنگی و هویتی بود و در ساخت کالبدی شهر نیز هسته های اصلی شهر و عاملی جهت ایجاد سلسله مراتب فضایی و نظم کالبدی بوده است. که اولی انسجام اجتماعی و دومی انسجام نهادی را منجر می شد در واقع این سلولهای شهری همچون اندام هایی خود گردان دارای محدوده و حدود مشخص و تعریف خاص خود بوده و به لحاظ کار کردی نیز خدمات خاص اهالی خود را به شکلی منسجم در مرکز محلات ارائه می نموده است. وجود انسجام اجتماعی و نهادی به صورت تشابهات شغلی، همبستگی های قومی و عشیره ای و وابستگی به مکان زندگی و محله را باعث می شد که خود زمینه ساز حفاظت و نگه داری از محله می شد. اما در بافت جدید شهری با پیروی از الگوهای غربی و تجدیدگرا که هیچ گونه قرابتی با نیازهای خانوار ایرانی ندارد، فضاهایی فاقد هویت به وجود آورده که ساکنین آنها هیچ گونه تعلق خاطر به محل سکونت خویش ندارند و با توجه به مصاحبه های صورت گرفته حس تعلق به مکان و وابستگی به آن در بافت های جدید شهری به شدت ضعیف می باشد

دیدگاه مدیران شهری کرمان

در این مقاله با توجه به نقش مهم مدیران شهری در تغییر و تحول مفاهیم در محلات شهری، ضمن اضافه نمودن این گروه به جامعه آماری، نظرات و دیدگاه ایشان در ارتباط با مفهوم محله به روش گراندد تئوری و با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته مورد بررسی قرار گرفت. در این بررسی که بر روی 12 نفر از مدیران شهری کرمان انجام شد، مشخص شد که عملکرد مدیران بر مفهوم محله در سه محور اصلی قابل بررسی است.

عملکرد نهاد مدیریتی تابع تغییر ارزش ها: ارزش های مردم و جامعه در طول زمان و با پیشرفت جامعه و انباشت سرمایه علمی و دستاوردهای تکنولوژیکی پیشرفت می نماید. از این رو انسان همواره در حال حرکت وجودی است و می تواند قوای خود را برای کمال و فعلیت آن ها به کار گیرد یا خود را از کمال ممکن محروم سازد. قوای گوناگون موجود در نفس انسانی و تزاخم خواهش های متناسب با هر یک از آن ها و امتداد این کشاکش در حیات اجتماعی، انسان را مجبور به انتخاب میان کمال قوای متفاوت خود می کند (حسین زاده یزدی، سادات حسینی، 1394). این امیال به نوبه خود بر ارزش ها تاثیر میگذارد. اما ارزش چیست؟ مجموعه سنت ها، نظرات و شیوه های تفکر را که رفتار اجتماعی افراد مبتنی بر آن هاست، "ارزش های اجتماعی"<sup>9</sup> می نامند (خلیلیان، 1378). تغییر ارزش های اجتماعی باعث تغییر خواست و نیاز مردم می شود. در این رساله آن بخش از ارزش های اجتماعی که بر رفتار شهروندی تاثیر می گذارد مد نظر قرار گرفته است. به عنوان مثال پیشرفت تکنولوژی و شبکه های اجتماعی آگاهی عمومی مردم در ارتباط با خطراتی که کودکان در بیرون از خانه با آن مواجه هستند را افزایش داده و همچنین راهکارهای مقابله با آن را نیز به والدین گوش زد می نماید. امنیت اجتماعی در فضای بیرون و نزدیک خانه در ارتباط با کودکان که در گذشته کمتر مورد توجه والدین بود، امروزه فقط با فضاهای طراحی شده نظیر پارک بازی کودک، زمین بازی دارای حصار و نگهبان تامین می شود، لذا تغییر در نوع برداشت از ارزشی به نام امنیت اجتماعی در مقیاس کودکان به رواج طراحی فضاهایی در محلات شهری منجر می شود که گاه با مرکزیت این فضاها مفهوم یک محله از یک محله اجتماعی به یک محله سبز و یا دوستدار کودک تغییر می کند. لذا برای این محور اصلی ترین استراتژی مورد نظر، معاصر سازی است.

عملکرد نهاد مدیریتی تابع مفاهیم نو: در ارتباط با محور قبلی باید عنوان داشت از آنجا که معاصر سازی فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می گردد. در این اقدام، فضای شهری جدیدی حادث می شود که ضمن حفظ شباهت های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم نیز به نمایش می گذارد (کلوانی و همکاران، 1392). این تفاوت ماهوی در معاصر سازی از رویکرد های کلان برنامه ریزی معاصر و نحله های فکری جدید و نو حادث می شود. از این جهت عملکرد مدیران شهری تابع مفاهیمی نو نظیر توسعه پایدار، تاب آوری، پیاده مداری، شهر دوستدار کودک، مدرنیسم بوده و حتی در این مفاهیم نو می توان تغییر نگاه بنیادی به انسان از

<sup>9</sup> Social Values

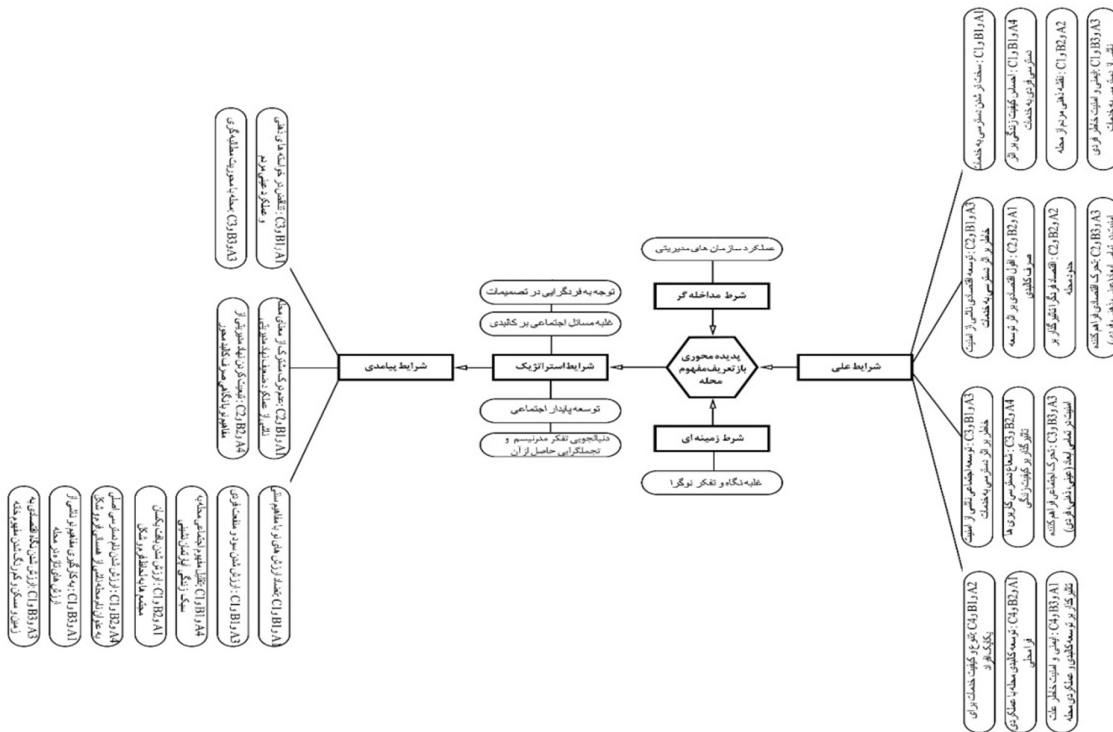
یک نگاه جمع گرا را به یک نگاه فردگرا شاهد بود. محله که زمانی با وابستگی های فامیلی، همسانی شغلی و پیوندهای خانوادگی و قومی و یا مذهبی تعریف می شد و مفهوم خود را از این مفاهیم کسب می نمود، در حال حاضر در پی رویکردهای کلان برنامه ریزی مفهوم خود را از پایداری، دوستدار کودک بودن و یا محله ای تاب آور می گیرد. و این مفاهیم نو به نوبه خود بر مفهوم یک محله تاثیر می گذارد.

نهاد مدیریتی تابع خواست و نیاز ساکنین: این محور به نوعی حلقه اتصال دو محور قبلی با بعد اجتماعی و اصلی ترین بازیگران عرصه یک محله، یعنی شهروندان می باشد. نهاد مدیریتی با آگاه سازی مردم از مفاهیم نو و مردم با تغییر ارزش های اجتماعی به عرصه مطالبه گری پا نهاده و خواستار مطالبه هایی در عرصه مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی، کالبد و عملکرد هستند که این خواسته ها در کاربری هایی مانند، فضای پارک محله ای طراحی شده، عابر بانک ها و فضاهای عمومی طراحی شده دیده می شود. تاثیر این محور بر مفهوم محله بسیار بنیادی و ریشه ای است چرا که مردم یک محدوده با مطرح کردن خواست و نیاز خود می توانند هویتی تازه و یا مرز و محدوده ای تازه را برای یک محله تعیین نموده و به نیاز مدیریتی نهاد مدیریت در عرصه اجتماعی پاسخ دهند. نتایج موارد بالا به صورت جدول شماره 4 با عنوان شرایط بازتعریف مفهوم محله در محدوده مورد مطالعه واقع در بافت های جدید شهری کرمان قابل مشاهده است و همچنین روابط میان این متغیرها در نمودار شماره 2 با عنوان مدل نهایی رساله بازتعریف مفهوم محله در محدوده مورد مطالعه واقع در بافت های جدید شهری کرمان ارائه شده است.

**جدول 4: شرایط بازتعریف مفهوم محله در محدوده مورد مطالعه واقع در بافت های جدید شهری کرمان**

موضوع	شرایط علی (شرایط)	شرایط زمینه ای (شرایط)	شرایط مداخله گر (شرایط)	شرایط استراتژی (شرایط)	شرایط پیامدی (شرایط)
مفاهیم استخراج	علی به حوادث و یا وقایعی دلالت می کند که به وقوع و رشد پدیده ای منتهی می شود)	زمینه ای نشانگر سلسله خصوصیات ویژه ای است که به پدیده ای دلالت دارد)	مداخله ای شرایط ساختاری ای (وسیع تری) که به پدیده ای تعلق دارند، که بر چگونگی کنش / کنش متقابل (شرایط استراتژی) اثر می گذارند)	استراتژی کنش یا کنش متقابل در یک نظام مبادلاتی محوری است که این راهبردهای ایجاد شده برای اداره و برخورد با پدیده تحت شرایط مشاهده خاص می باشد، همچنین روند و خط سیر داستان در آنها نهفته است که پیامد نتیجه و حاصل راهبردهاست)	پیامدی در واقع خروجی های منتج از استخدام شرایط استراتژی که در پدیده رخ داده است)
A1. توسعه کالبدی	A1. توسعه کالبدی	A1. مدرنیسم	عملکرد سازمان های	A1. بازاندیشی در	A1. ذهنی شدن

<p>معنای محله A2. تنزل سرمایه اجتماعی A3. کاهش دلبستگی و حس تعلق A4. دگرگونی ساخت محله</p>	<p>هویت محله ای A2. دنبالجویی منزلت اجتماعی و طبقه اجتماعی</p>	<p>مدیریتی</p>		<p>محله A2. فردگرایی A3. جستجو امنیت در ابعاد عینی و ذهنی A4. کیفیت زندگی به معنای دسترسی به خدمات</p>	<p>شده از ساکنین محدوده</p>
<p>B1. کمبودگی انسجام اجتماعی، نهادی و وابستگی مکانی B2. تداوم و پیوستگی کالبدی- فضایی B3. تحرک اجتماعی- اقتصادی</p>	<p>B1. منزلت اجتماعی B2. همبستگی اجتماعی B3 حس تعلق و وابستگی به مکان</p>	<p>مدیریت شهر</p>	<p>B1. معیشت و موقعیت اقتصادی محله B2. لبه و مرز محله B3. ایمنی و امنیت خاطر</p>	<p>B1. تنوع و کیفیت خدمات شهری B2. لبه و مرز محله B3. ایمنی و امنیت خاطر</p>	<p>مفاهیم استخراج شده از متخصصین دانشگاهی</p>
<p>C1. عملکرد نهاد مدیریتی تابع تغییر ارزش ها C2. عملکرد نهاد مدیریتی تابع مفاهیم نو C3. عملکرد نهاد مدیریتی تابع خواست و نیاز ساکنین محله</p>	<p>C1. نحله های فکری (مدرنسیم، پست مدرنسیم و...) C2. رویکردهای کلان برنامه ریزی</p>	<p>نیاز نهاد مدیریتی</p>	<p>C1. معاصر سازی</p>	<p>C1. فردگرایی C2. مسائل اقتصادی C3. مسائل اجتماعی C4. کالبد و عملکرد</p>	<p>مفاهیم استخراج شده از مدیران شهری کرمان</p>



نمودار شماره 2: بازتعریف مفهوم محله در محدوده مورد مطالعه واقع در بافت های جدید شهری کرمان

6. نتایج

در قسمت یافته ها این مقاله کدهای باز، محوری و گزینشی هر کدام از گروه های هدف تحقیق به تفکیک در ارتباط با مردم ، متخصصین دانشگاهی و مدیران شهری ارائه شد. در ادامه هر کدام از شروط علی، زمینه ای، مداخله گر، استراتژی و پیامدی به صورت جدولی که در آن کدهای نهایی (گزینشی) در این شروط دسته بندی شده اند به همراه نموداری ارائه شد. با توجه به این جدول و نمودار باید عنوان داشت که بازتعریف مفهوم محله با تبعیت از شرایط علی نظیر دسترسی به خدمات، تحرک اقتصادی، تحرک اجتماعی و احساس تعلق فردی به مکان شروع می شود، این بدان معنی است که هر کدام از این شرایط به تنهایی و یا در تعامل با یکدیگر می تواند علت ایجاد یک محله باشد. به عبارت دیگر مکانی از گرد هم آیی شهروندان در قالب مفهومی مشترک به نام محله معلول یکی از علت های بالا و یا تعامل علت های ذکر شده است. این شرایط در محدوده هوشنگ مرادی تحت عوامل زمینه ای نظیر غلبه نگاه و تفکر نوگرا، نگاه افراد را به ارتباط این شرط و زمینه بروز و ظهور آن جلب می کند، به عنوان مثال در دسترسی به خدمات در یک بستر و زمینه مدرن و با یک نگاه و تفکر مدرنیسم، مفهوم محله واحدی مصرف گراست که کالا، خدمات و فرهنگ مدرن را مصرف می کند از این رو در مضامین شهرسازی شاهد مصادیق این مفهوم از قبیل مصالح مدرن، سبک زندگی و معماری مدرن و ... هستیم. بسته به آنکه برای یک محله در بافت جدید شهری کرمان چه شرایطی علی و زمینه ای وجود داشته باشد این شرایط همواره به وسیله عملکرد مدیریت شهری می



تواند تغییر و یا قلب ماهیت شود. مدیریت شهری می تواند با رواج سبک معماری خاص و یا ساکن کردن مردمی خاص در محله ای بر این شرایط علی و زمینه ای دخالت نماید. در انی تحقیق نیز عملکرد مدیران شهری مورد بررسی واقع شده و به عنوان شرط مداخله ای شناخته شد. این شرایط علی و زمینه ای با کنترل شرط مداخله ای و اثر گذار به شرایط استراتژی ختم شده که این شرایط به شرایط پیامدی منجر می شود. در بررسی های صورت گرفته بر روی محله هوشنگ مرادی شرایط استراتژیک بدست آمده شامل توجه به فردگرایی در تصمیمات، غلبه مسائل اجتماعی بر کالبدی و توسعه پایدار اجتماعی استخراج شد که نشان از اهمیت مسائل اجتماعی بر مسائل کالبدی در شروط علی و زمینه ای ایجاد و توسعه یک محله در بافت جدید شهری دارد. پیامدهای حاصل از این استراتژی ها در محله هوشنگ مرادی را می توان معنای محله تابع تغییر ارزش ها، معنای محله تابع مفاهیم نو، محله با محوریت مطالبه گری و مدیریت خواست و نیاز ساکنین محدوده در زمینه توسعه محله دانست.

#### منابع

- ایمانی فاطمه، نجمه لاله، (1388)، ویژگی محله های خوب، دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی پژوهشگری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- استراووس، انسلم، کربین، جولیت، (1390)، "مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای" ترجمه ابراهیم افشار، تهران نشر نی.
- ازکیا، مصطفی. دربان آستانه، علی. ۱۳۸۹. روش های کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات کیهان.
- ازکیا، مصطفی. محمدی بندری، زینب. 1390. بازتعریف مفاهیم محله و محله ی آرمانی از دید ساکنان کلان شهر تهران محله های آریاشهر، تهرانپارس، امامزاده یحیی). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم شماره سوم، تابستان
- آقایی، معصومه، رضوانی پور، عابد، احدیفکاظم، عبدی، مهدی، (1392)، " بررسی ضرورت های طراحی سامانه جامع فرهنگی-اجتماعی محله هم راستا با اهداف طرح امنیت اجتماعی محله محور" فصلنامه دانش انتظامی پلیس پایتخت، شماره 19
- پاپلی یزدی، م. ۱۳۶۶. محله. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴، تهران.
- ثقه الاسلامی، عمیدالاسلام (1391)، " مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران (با تحلیل نقشه های شناختی ساکنین)" انتشارات سخن گستر.
- رهنمایی، محمدتقی. فرهودی، ر. قالیباف، م. هادی پور، ح. ۱۳۸۶. سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهر های ایران. فصلنامه جغرافیا، سال پنجم، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۴۳-۱۹.
- سلطانی، یزدان و یاوری، مریم و یاوری، سمیرا، 1393، نگاهی تطبیقی به مفهوم محله در اسلام و ایران کهن قبل از اسلام، اولین کنگره بین المللی افق های جدید در معماری و شهرسازی، تهران،، <https://civilica.com/doc/380533>
- قربیشی، مائده، ازکیا، مصطفی، مهدوی، محمد صادق، (1394)، "باز تعریف جامعه شناختی مفهوم محله از نگاه ساکنان: مطالعه پدیدارشناسی محله کن منطقه 5 شهر تهران"، نشریه توسعه محلی، دوره هفتم، شماره 2، پاییز و زمستان 1394
- موقر، رضا. رنجبر، احسان. پورجعفر، محمدرضا. 1393. بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران نمونه مطالعاتی محله های شهر نایین. دو فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان سال چهارم، شماره 8، پاییز و زمستان.

-ماجدی، حمید و منصوررضایی، مجید و منصور، الهام، 1393، تأویل کارکرد شناختی فضاهاى عمومی محل های از منظر هویت نمونه موردی: محله نازی آباد و مهران تهران،،،،، <https://civilica.com/doc/541795>

-سلطانی، یزدان. بیک محمدی، ح. حیدری، س. 1396. تحلیل فضایی احساس امنیت در محلات مختلف شهری (مورد مطالعه: شهر قدس). پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال پنجم، شماره پیاپی 14، شماره سوم، پاییز، صص 87-101.

-فنی، زهره، دویران، اسماعیل، (1389)، " برنامه ریزی مردم محور(مشارکتی) در مقیاس خرد شهری (محله) نمونه موردی: محله اسلام آباد زنجان" نشریه تحقیقات جغرافیایی سال بیست و پنجم، پاییز 1389

-عبدالهی، مجید و صرافی و توکلنیا، (1388)، بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله های شهری ایران، پژوهش های جغرافیایی انسانی، شماره 72، 83-102

-غلامی، حسین و الیاسی، ابراهیم، 1393، تحلیلی برجایگاه محله در شهرسازی ایرانی - اسلامی، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی اسلامی در معماری و شهرسازی، مشهد.

-Abdolahi M., Akbari S., 2007, The Collection of Regulation & Law Dah and Dahyari, fifth publish, Tehran, Ghalamestan Honar Publications.

-Brody, J. S. (2009). Constructing professional knowledge: The neighborhood unit concept in the community builders handbook. University of Illinois at Urbana-Champaign.

-Barker, Kenway, (2017), Redefining neighbourhoods A future beyond austerity.

-Clifford, J. S. (2002). Transcending locality-driven lifestyles: The potential of the Internet to redefine neighborhood patterns. Harvard University.

-Evelyn, Perry, (2011), Live Live and let live: Negotiating difference in a diverse urban neighborhood, 184 Pages / Published: 01/09/2011

-Rodriguez, C. (2015). Find Yourself Here: Neighborhood Logics in Twenty-First Century Chicano and Latino Literature. University of California, Irvine.

-Orstad, S. L. (2016). Examining the moderating role of demographic factors and depressive symptoms in direct and indirect associations between the objective and perceived neighborhood environment and physical activity in three US populations (Doctoral dissertation, Purdue University).

-Martin, D. G. (2003). Enacting Neighborhood1. Urban Geography, 24(5), 361-385.

-Moye Jr, R. G. (2012). The impact of shifting neighborhood racial composition on home value appreciation. Temple University.